

### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۲

آیه ۱۴۵

آیه و ترجمه

قل لا اجد فی ما اوحی الی محرما علی طاعم یطعمه الا ان یتکون میتة اودما مسفوحا او لحم خنزیر فانه رجس او فسقا اهل لغیر الله به فمن اضطر غیر باغ و لا عادفان ربک غفور رحیم ۱۴۵

ترجمه :

۱۴۵ - بگو در آنچه بر من وحی شده، هیچ حرامی بر کسی که غذائی می خورد نمی یابم بجز اینکه مردار باشد یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته یا گوشت خوک که اینها همه پلیدند، یا حیوانی که در طریق گناه به هنگام سر بریدن، نام غیر خدا (نام بتها) بر آنها برده شده است، اما کسانی که ناچار شوند بدون اینکه بخاطر لذت باشد و یا زیاده از حد بخورند (گناهی بر آنها نیست) پروردگار تو آمرزنده مهربان است.

تفسیر :

بخشی از حیوانات حرام

سپس برای روشن ساختن محرمات الهی از بدعتهایی که مشرکان در آئین حق گذاشته بودند، در این آیه به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دهد که صریحا به آنها بگو در آنچه بر من وحی شده هیچ غذای حرامی را برای هیچکس (اعم از زن و مرد، کوچک و بزرگ) نمی یابم (قل لا اجد فیما اوحی الی محرما علی طاعم یطعمه).

مگر چند چیز، نخست اینکه مردار باشد (الا ان یتکون میتة).

یا خونی که از بدن حیوان بیرون می ریزد (نه خونهایی که پس از بریدن رگهای حیوان و خارج شدن مقدار زیادی از خون در لابلای رگهای موئین در وسط گوشتها باقی می ماند) (او دما مسفوحا)

### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۳

یا گوشت خوک (او لحم خنزیر).

زیرا همه اینها رجس و پلیدی است و مایه تنفر طبع سالم آدمی و منبع انواع آلودگیها و سرچشمه زیانهای مختلف (فانه رجس).

ضمیرانه با اینکه مفرد است، به عقیده بسیاری از مفسران به هر سه قسمت (گوشت مردار، خون و گوشت خوک) باز می‌گردد، و معنی جمله چنین است همه آنچه گفته شد پلیدی است و متناسب با ظاهر آیه نیز همین است که ضمیر به تمام آنها باز گردد، زیرا شک نیست که مردار و خون همانند گوشت خوک پلید است.

سپس به نوع چهارم اشاره کرده می‌گوید: یا حیواناتی که هنگام ذبح نام‌غیر خدا بر آنها برده شده است (او فسقا اهل لغیر الله به).

جالب اینکه به جای ذکر کلمه حیوان کلمه فسق آمده است و همانطور که در سابق نیز اشاره کرده‌ایم، فسق به معنی خارج شدن از راه و رسم‌بندگی و اطاعت فرمان خدا است، و لذا به هر گونه گناه فسق گفته می‌شود، اما ذکر این کلمه در برابر رجس که در مورد سه موضوع حرام سابق گذشت، ممکن است اشاره به این باشد که گوشت‌های حرام، اصولاً بر دو دسته است گوشت‌هایی که تحریم آنها به خاطر پلیدی و تنفر طبع و زیانهای جسمانی می‌باشد، و به آن رجس اطلاق می‌گردد، و گوشت‌هایی که نه پلید است و نه از نظر بهداشتی زیان‌آور، اما از نظر اخلاقی و معنوی نشانه بیگانگی از خدا و دوری از مکتب توحید است،

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۴

و به همین دلیل نیز تحریم شده است.

بنابراین نباید انتظار داشت که گوشت‌های حرام، همیشه دارای زیانهای بهداشتی باشد، بلکه گاهی به خاطر زیانهای معنوی و اخلاقیش تحریم شده است، و از اینجا روشن می‌شود که شرائط ذبح اسلامی نیز بر دو گونه است، بعضی مانند بریدن رگهای چهارگانه و بیرون ریختن خون حیوان، جنبه بهداشتی دارد، و بعضی مانند رو به قبله بودن و گفتن بسم‌الله و ذبح به وسیله مسلمان جنبه معنوی.

در پایان آیه کسانی را که از روی ناچاری و اضطرار، و نیافتن هیچ غذای دیگر برای حفظ جان خویش، از این گوشت‌های حرام استفاده می‌کنند، استثنا کرده و می‌گوید: کسانی که اضطرار پیدا کنند، گناهی بر آنها نیست، مشروط بر

اینکه تنها به خاطر حفظ جان باشد نه به خاطر لذت و یا حلال شمردن حرام الهی و نه زیاد از حد، بخورند در این صورت پروردگار آمرزنده مهربان آنها را معاف خواهد ساخت (فمن اضطر غیر باغ و لا عاد فان ربک غفور رحیم). در حقیقت این دو شرط برای آن است که افرادی اضطرار را دستاویز برای تجاوز به حریم قوانین الهی نسازند، و به بهانه اضطرار از حدود مقررات خدا پا فراتر نهند.

ولی در بعضی از روایات اهل بیت (علیهم السلام) مانند روایتی که در تفسیر عیاشی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده چنین می خوانیم الباغی الظالم و العادی الغاصب: منظور از باغی ستمگر است و منظور از عادی، غاصب است، و نیز در روایت دیگری از امام (علیه السلام) نقل شده که فرمود: الباغی الخارج

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۵

علی الامام و العادی اللص: منظور از باغی کسی است که بر ضد امام عادل و حکومت اسلامی قیام کند و منظور از عادی دزد است. این روایات و مانند آنها اشاره به این است که اضطرار به گوشت های حرام معمولاً در سفرها رخ می دهد، اگر کسی در راه ظلم و ستم و یا غصب و دزدی، اقدام به سفر کند و گرفتار کمبود غذا شود، خوردن گوشت های حرام برای او جائز نیست، گرچه موظف است برای حفظ جان خود از آن گوشت ها استفاده کند، ولی کیفر این گناه را خواهد داشت چه اینکه مقدمات چنین سفر حرامی را خودش فراهم ساخته است و در هر صورت این روایات با مفهوم کلی آیه کاملاً سازگار است

#### پاسخ به یک سؤال

در اینجا یک سؤال پیش می آید که چگونه تمام محرمات الهی در زمینه غذاها منحصر به چهار چیز شمرده شده است با اینکه می دانیم غذاهای حرام منحصر به اینها نیست، گوشت حیوانات درنده و گوشت حیوانات دریائی (جز ماهی فلس دار) و مانند آنها همگی حرام هستند در حالی که در آیه هیچ نامی از آنها به میان نیامده و محرمات منحصر به چهار چیز شمرده شده است؟ بعضی در پاسخ این سؤال گفته اند که به هنگام نزول این آیات در مکه، هنوز حکم تحریم سایر غذاهای حرام نازل نشده بود، ولی این جواب صحیح به نظر نمی رسد، گواه این سخن آنکه عین همین تعبیر

یا شبیه آن در بعضی از سوره‌های مدنی نیز دیده می‌شود، مانند آیه ۱۷۳ سوره بقره.

ظاهر این است که این آیه، تنها نظر به نفی احکام خرافی مشرکان دارد و به اصطلاح، حصر اضافی است، و به تعبیر دیگر آیه می‌گوید: محرمات الهی اینها هستند نه آنچه شما به هم بافته‌اید.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۶

برای روشن شدن این سخن بد نیست مثالی بزنیم، کسی از ما سؤال می‌کند آیا حسن و حسین، هر دو آمدند، ما در جواب می‌گوئیم نه فقط حسن آمد، در اینجا منظورمان این است که آمدن نفر دوم، یعنی حسین را نفی کنیم، اما هیچ مانعی ندارد کسان دیگری که اصلاً مورد بحث مانبوده‌اند آمده باشند، چنین حصری را حصر اضافی (یا نسبی) می‌گویند. اما باید توجه داشت که ظاهر حصر، معمولاً حصر حقیقی است مگر در مواردی که قرینه‌ای در کار باشد مانند آیه مورد بحث.